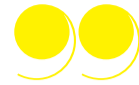


در بحث رون آراد تا آنجایی که من مطلع هستم، خود بچه‌های حزب‌الله هم خیلی تحقیق کردند؛ ولی به نتیجه خاصی نرسیدند؛ البته احتمال اینکه خودش از زندان فرار کرده باشد، وجود دارد. رون آراد در حال بمباران لبنان بود که هواپیمای او را می‌زنند و خودش با چتر به پایین می‌افتد



● **نه:** در بحث رون آراد تا آنجایی که من مطلع هستم، خود بچه‌های حزب‌الله هم خیلی تحقیق کردند؛ ولی به نتیجه خاصی نرسیدند؛ البته احتمال اینکه خودش از زندان فرار کرده باشد، وجود دارد. رون آراد در حال بمباران لبنان بود که هواپیمای او را می‌زنند و خودش با چتر به پایین می‌افتد. بعد نیروهای شیعه که آن موقع اسمشان «مقاومت» بود، او را دستگیر می‌کنند و به زندان می‌برند. حدود پنج‌شش ماه هم در زندانی در یکی از مناطق لبنان بود. تا اینجا ماجرا رسمی است و همه می‌دانستند که او دستگیر شده و در این منطقه است. یک روز صبح می‌آیند و می‌بینند که نه زندانیان است و نه زندانی. خلاصه، هیچ اثری وجود نداشت. دیگر از آنجا ابهام به‌وجود می‌آید که چه اتفاقی برای این آدم افتاده است. رژیم صهیونیستی همیشه اتهام را به ایران می‌زند؛ ولی با وجود تحقیقاتی که انجام شد، هنوز کسی مطلع نیست که واقعاً چه اتفاقی افتاده است. احتمال اینکه خودش فرار کرده باشد و یک اتفاق طبیعی برای او رخ داده یا در جایی گم شده باشد هم مطرح است. یک تصویری از آراد با ریش منشر شده. آن تصویر مربوط به همان ایام است. درحقیقت هرچه از رون آراد عکس موجود است، مربوط به روزهای اول است؛ یعنی قبل از اینکه ناپدید شود. آنها می‌گویند که رون آراد دست شماست و شما باید درباره او اطلاعات بدهید؛ ما هم درحقیقت اطلاعاتی نداریم که بدهیم. در ظاهر این‌طور است. به‌هرحال من هم یک شخص عادی هستم و نظر خودم را می‌گویم. ایران هم انگیزه‌ای ندارد برای اینکه رون آراد را ننگه دارد. اگر واقعاً رون آراد در ایران بود و دیپلمات‌های ما احتمالاً باید تبادل‌تبادلی زودتر از این‌ها اتفاق می‌افتاد. سالی که رون آراد را گرفتند، سال ۱۹۸۶ بود؛ یعنی سال ۶۵ می‌شود. از سال ۶۵ تا الان، ما دلایل بسیاری داشتیم که رون آراد را معامله کنیم؛ یعنی اگر دست ما بود، تا حالا او را بدون مصرف ننگه نمی‌داشتیم. یک بار که با یکی از مسئولان صحبت می‌کردیم، گفت: «شما مطمئن باش. ما آن موقع، در سال ۶۸، در اوج جنگ بودیم. بحث جنگ و قطعنامه و هزار موضوع دیگر را داشتیم. اگر او در دست ما بود، بالاخره باید در یکی از این موضوعات از او استفاده می‌کردیم.»

بعداظهر آنها را دستگیر می‌کنند، به برباره در بیروت و کرنتینا می‌آورند و در حوالی ساعت شش و هفت بعدازظهر تصمیم بر اعدام آنها می‌گیرند. تقریباً در بین سناریوهای شهادت، این از همه قوی‌تر است. بعضی‌ها می‌گویند اعدام نبود و مثلاً حادثه بوده است. به‌هرحال هرچه بود، بعدازظهر روز اول است و می‌گویند که از ساعت دو تا هشت بعدازظهر همان روز اول این اتفاق افتاده است. در اصل، همه نقل‌های دال بر شهادت، این موضوع را مطرح می‌کنند که به‌نظر من، نقل‌ها همه ضعیف هستند. شاهد عینی

بعداظهر آنها را دستگیر می‌کنند، به برباره در بیروت و کرنتینا می‌آورند و در حوالی ساعت شش و هفت بعدازظهر تصمیم بر اعدام آنها می‌گیرند. تقریباً در بین سناریوهای شهادت، این از همه قوی‌تر است. بعضی‌ها می‌گویند اعدام نبود و مثلاً حادثه بوده است. به‌هرحال هرچه بود، بعدازظهر روز اول است و می‌گویند که از ساعت دو تا هشت بعدازظهر همان روز اول این اتفاق افتاده است. در اصل، همه نقل‌های دال بر شهادت، این موضوع را مطرح می‌کنند که به‌نظر من، نقل‌ها همه ضعیف هستند. شاهد عینی

بعداظهر آنها را دستگیر می‌کنند، به برباره در بیروت و کرنتینا می‌آورند و در حوالی ساعت شش و هفت بعدازظهر تصمیم بر اعدام آنها می‌گیرند. تقریباً در بین سناریوهای شهادت، این از همه قوی‌تر است. بعضی‌ها می‌گویند اعدام نبود و مثلاً حادثه بوده است. به‌هرحال هرچه بود، بعدازظهر روز اول است و می‌گویند که از ساعت دو تا هشت بعدازظهر همان روز اول این اتفاق افتاده است. در اصل، همه نقل‌های دال بر شهادت، این موضوع را مطرح می‌کنند که به‌نظر من، نقل‌ها همه ضعیف هستند. شاهد عینی

که آنها در جنگ‌های داخلی در لبنان کشته شده‌اند. حدود ۲۰ سال هم هیچ خبری از آنها نبود. در یکی از تبادل‌های حزب‌الله با رژیم اشغالگر قدس، آنها از اسرائیل آزاد می‌شوند؛ یعنی کسانی بودند که در لبنان ناپدید شده بودند و در اسرائیل آزاد می‌شوند. من خودم با خیلی از آنها ملاقات و صحبت کردم. آنها را همان قوای گرفته بود و مدت زیادی در زندان بودند و شکنجه‌های بسیار سختی می‌شدند و خیلی وضعیت بدی داشتند. آنها را از آنجا از طریق بندر جونیه با کشتی به حیفا می‌برند و از آنجا هم به

نگهداری می‌شدند، قطعاً حاکمیت متوجه می‌شد. ولی اگر زنده باشند، به‌قطع در فلسطین اشغالی و در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس هستند. این سناریوی دوم و یکی از سناریوهای محتمل ماست. اگر سناریوی دوم را بخواهیم در نظر بگیریم، باید باز زمانی انتقال آنها را هم فرض بگیریم که آن هم انواع مختلف دارد: یک بحث این است که در همان ۲۰-۱۰ روز اول، آنها را به اسرائیل منتقل کردند و بحث دیگر این است که سه‌چهار سال بعد، یعنی بعد از اینکه خلبان اسرائیلی، رون آراد در لبنان ناپدید شد، آنها را به

اشخاص دیگر او را بکشند. این اصلاً منطقی نیست. اگر حاج‌احمد در این تیم نبود، شاید کمی عادی‌تر به‌نظر می‌رسید. حتی ممکن بود این اتفاق نیفتد؛ ولی بالاخره تقدیر این بود که آنها باهم بروند. پدر من هم آدم دیپلماتی نبود. دیپلمات به آدم خیلی اتوکشیده و یقه‌آخوندی ریش آنکاد کرده می‌گویند. پدر من هم در زمان شاه مدام در حال مبارزه بودند. وقتی که این اتفاق برای پدرم افتاد، ۲۶ سال داشت. در زمان شاه هم که زندانی ساواک بود، سن کمی داشت. ابتدا ایشان به‌عنوان نماینده شهید چمران رفته

اشخاص دیگر او را بکشند. این اصلاً منطقی نیست. اگر حاج‌احمد در این تیم نبود، شاید کمی عادی‌تر به‌نظر می‌رسید. حتی ممکن بود این اتفاق نیفتد؛ ولی بالاخره تقدیر این بود که آنها باهم بروند. پدر من هم آدم دیپلماتی نبود. دیپلمات به آدم خیلی اتوکشیده و یقه‌آخوندی ریش آنکاد کرده می‌گویند. پدر من هم در زمان شاه مدام در حال مبارزه بودند. وقتی که این اتفاق برای پدرم افتاد، ۲۶ سال داشت. در زمان شاه هم که زندانی ساواک بود، سن کمی داشت. ابتدا ایشان به‌عنوان نماینده شهید چمران رفته

موضوع داشت، ما در کار اطلاعاتی و عملیاتی خیلی جلو رفتیم تا اینکه توانستیم اقدامی حقوقی در مجامع بین‌المللی انجام دهیم. شاید هم دلیل آن بدبینی و پیش‌فرضی است که ما به مجامع حقوقی بین‌الملل داریم و ما را منع می‌کند که به‌سمت آن برویم. در صورتی که هر چقدر هم بدبینی باشد، باید برویم و حجت را تمام کنیم. در بحث حقوقی، افرادی وجود دارند که حاضر هستند شهادت بدهند آنها را در زندان‌های لبنان دیده‌اند و آنها زنده هستند. یکی از آنها، شاهدی است که در سال ۲۰۰۶ از زندان‌های فلسطین آزاد شده است. او از بچه‌های مقاومت نبود؛ ولی چون تبعه لبنان بود، در اسرائیل به‌جرم مواد مخدر دستگیرش کردند. در این تبادل هم چون از اتباع لبنان بود، آزاد شد. او مطرح می‌کرد ابتدا که او را به‌جرم مواد مخدر گرفته بودند، فکر می‌کردند ممکن است که مسأله او امنیتی باشد و مواد مخدر پوشش کارش باشد. به‌همین دلیل او را به زندان‌های امنیتی برده بودند. می‌گفت: «من در آنجا با یک جمع ایرانی مواجه شدم و ارتباط کم و محدودی با آنها داشتم.» مشخصات ظاهری یکی از آنها را هم توصیف کرد. بعد سیستم امنیتی لبنان ۳۰ عکس جلوی او گذاشت که ببیند کدام‌یک از آنهاست. عکس این چهار نفر هم میان آن عکس‌ها وجود داشت که پدر من را شناخت و گفت آن کسی که من با او ارتباط داشتم، همین بود.

● **شش:** به‌نظر من یکی از دلایلی که آنها این‌طور گرفتار شدند، حضور حاج‌احمد بود. قطعاً اگر حاج‌احمد نبود، یک موقعیت دیپلماتیکی معمولی پیش می‌آمد و اتفاقی نمی‌افتاد. به‌خاطر همین است که می‌گویم اینکه مطرح می‌کنند آن‌ها روز اول شهید شدند، بی‌اساس است. حتی اینکه می‌گویند آن یک نفری که شهید شده، حاج‌احمد است، غیر حرفه‌ای در نظر گرفتن کسانی است که آنها را گرفتند. در صورتی که آنها حرفه‌ای بودند. بالاخره اسرائیلی‌ها با همه خباثتشان، در موضوعات امنیتی از قدیم به حرفه‌ای بودن معروف بودند. حتی فالانژها هم، همگی در اسرائیل آموزش دیده بودند. در حقیقت حاج‌احمد فرد اصلی تیم و منبع اطلاعات بود و از دید اسرائیلی‌ها آمده بود که در اسرائیل الان وضعیت لبنان طوری است که در همه‌جای آن حاکمیت دولت لبنان حکمفرماست و اگر در لبنان



در سناریوی دال بر شهادت، برخی تناقضات بزرگ وجود دارد. همه کسانی که بحث شهادت را مطرح می‌کنند و حتی خود رژیم اشغالگر قدس هم در گزارشی که به سازمان ملل داده به آن معتقد است، مطرح می‌کنند که وقتی ساعت دو بعدازظهر آنها را دستگیر می‌کنند، به برباره در بیروت و کرنتینا می‌آورند و در حوالی ساعت شش و هفت بعدازظهر تصمیم بر اعدام آنها می‌گیرند

زندان‌های اسرائیل منتقل کردند. این دو بحث برای چگونگی انتقال آنها به اسرائیل مطرح است. بعضی‌ها در این بخش اشکال می‌گیرند که اصلاً انتقال اسیر از سوی قوای به اسرائیل وجود داشت و کاتال ارتباطی بین آنها برقرار بود؟ جواب این است که قطعاً وجود داشته است. دلایل هم این است که شش نفر از بچه‌های شیخ لبنانی را دستگیر می‌کنند، نه از بچه‌های حزب‌الله. خیلی نمی‌توان گفت که بچه‌های حزب‌الله بودند؛ چون اکثر در سنین زیر ۱۸ سال بودند که دستگیر شده و در بیروت ناپدید شدند. همه فکر می‌کردند

هم وجود ندارد؛ چون همه این مطالب را اکثراً کسانی مطرح کردند که می‌گویند از فلانی شنیدیم. آدم‌های اصلی هم که عمدتاً در گزارش‌ها، اسامی آنها هست، دیگر زنده نیستند. آدم‌هایی هستند که شاید ۲۰-۱۰ سال پیش کشته شده یا مرده‌اند و مکان مشخصی هم برای دفن جنازه‌ها موجود نیست. دوسه آدرس مطرح است که در یکی از این آدرس‌ها، یک ساختمان ۱۰ طبقه ساخته شده است و درحقیقت به‌نوعی سناریوسازی شده است که شما به‌هیچ‌وجه نمی‌توانی درستی یا غلط بودن آن را اثبات کنی.

● **هفت:** اگر ان‌شاء‌الله زنده باشند که ما هم این‌گونه معتقد هستیم، قطعاً در لبنان نیستند. بالاخره الان وضعیت لبنان طوری است که در همه‌جای آن حاکمیت دولت لبنان حکمفرماست و اگر در لبنان